

« نهمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است.

وجود مبارک امام سجاد برای جذب و جلب رأفت و رحمت الهی دستور انعطاف را به انسان مرحمت می‌کند، تا يك نیایشگر به ذات اقدس إله عرض کند: اگر گناهی از ما صادر شده است، در اثر لجاج و عناد نبوده! ما می‌دانیم که مستوجب عذاب الهی هستیم، لکن **دو عامل ما را وادار می‌کند که از ذات اقدس إله درخواست عفو کنیم؛**

1- گناه ما روی لجاج و عناد نیست. ما به عنوان **الذَّ الْخِصَام** و مانند آن دست به گناه دراز نکرده‌ایم. بلکه بر اثر غفلت بوده است.
2- می‌دانیم شما بخشنده و مهربانی! پس قصور ما از يك سوی، کرم شما از سوی دیگر، این دو عامل ما را وادار می‌کند که دست نیایش به سوی شما دراز کنیم. اگر کسی بر اثر لجاج گناه کند، مستکبران دست به گناه دراز کند، چنین کسی درخور عفو نیست! یا اگر مولائی کریمانه با بنده‌اش برخورد نکند، چنین بنده تبهکاری به خود اجازه درخواست عفو نمی‌دهد. لکن هر دو عامل در اینجا برای دعا وجود دارد؛ یکی غفلت و جهالت ما، دوم کرم و بزرگواری شما.

آنگاه عرض می‌کند: خدایا! نه تنها ما را ببخش، بلکه همه تبهکاران را ببخش! اگر راهی برای بخشش تبهکاران نباشد، اینها ناامید خواهند بود. آنگاه فرقی بین مولای رؤف، و عاقل رؤف نخواهد بود.

این جمله را با این صورت بازگو می‌کند که: گرچه ما استحقاق گذشت نداریم، ولی شما مولای کریمی!

"وَ إِنْ كُنَّا غَيْرُ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُنْذِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ ."

پروردگارا! می‌خواهی با ما برابر اوصاف ما رفتار کنی یا برابر اوصاف خودت؟! اگر می‌خواهی برابر اوصاف ما رفتار کنی، ما مستحق عذابیم، اگر می‌خواهی برابر با اوصاف خودت رفتار کنی، ما مشمول رحمتت قرار می‌گیریم. **فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ.**

بر ما منت پنه به این که ما را برابر وصفی که خود داری به محکمه دعوت کن، نه برابر استحقاقی که داریم! این که در برخی از ادعیه آمده است: **إِلَهِي أَمِنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تُؤَامِنَا بِعَدْلِكَ** از همین قبیل است. **" وَ جُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ "** ، ما به عطای تو نیاز مندیم، تو از تعدیب ما بی‌نیازی!

آنگاه در جملات بعد این چنین عرض می‌کند:

" يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَلْنَا ."

پروردگارا! آن مقدار هدایتی که نصیب ما شده است، با نور وحی و فطرت و عقلی بود که تو به ما دادی! و اگر ما از دیگران بی‌نیاز شدیم، در اثر تفضل تو بود! و ما در بامداد و شامگاه غرق نعمت توایم. به نعمت تو صبح کردیم، به نعمت تو شام می‌کنیم. یعنی حیات ما، زندگی ما در کنار سفره نعمت توست.

"ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنَّا ."

پروردگارا ! گناهان ما هم معلوم توست و هم خود ما مقدر تو ! هم از سیئات ما باخبری، هم از تعذیب تبهکاران و بر تعذیب تبهکاران مقتدری. ما توبه می‌کنیم، به طرف تو برمی‌گردیم. (توبه) یعنی رجوع . اصولاً مسئله رجوع درباره عبد معنا دارد، درباره ذات اقدس إله فیضش می‌تواند رجوع کند، اما ذاتش رجوع بردار نیست.

بیان مطلب از این قبیل است: چون ذات اقدس إله هستی نامنتهی است، این مقدمه اول، يك موجود نامنتهی نسبتش به جمیع اشیاء علی السواء است، این مقدمه دوم.

بنابراین خدای سبحان نسبتش به جمیع اشیاء در جمیع شرائط و شئون و احوال و شرائط علی السواء است. این چنین نیست که به کسی نزدیک باشد و از کسی دور باشد. البته در بحث‌های حوزوی و مدرسه‌ای برای بطلان دور و تسلسل این چنین بازگو می‌کنند که سلسله علل و معلولات باید به سرآغاز ختم بشود. چنین تفکری با تفکر نیایش و دعا خیلی هماهنگ نیست! خدائی که انسان با بطلان دور و تسلسل ثابت می‌کند، معنایش این است که: این سلسله علل بالأخره باید منتهی بشود به مبداء آفرینش. و خدا به عنوان سرآغاز این سلسله تلقی می‌شود. اگر احاد این سلسله مُتَبَانِنَات باشند که خدا يك مُبَانِنِی است با دیگران مُبَانِنَات، منتها از دیگر مُبَانِنَات بزرگتر و مهمتر است. و اگر این سلسله، سلسله تشکیکی باشد، همه اینها مراحل يك واقعت‌اند و خدا اعلی المراتب است.

به هر تقدیر چه بر اساس تَبَانِنِی هستی، چه بر اساس تشکیک خداوند سرآغاز سلسله است. اما بر اساس نامنتهی بودن ذات اقدس إله که لسان دعا همین لسان غیر منتهی بودن خداست، این چنین نیست که خدا سر سلسله باشد. نسبت خدا به صادر اول و صادر آخر یکسان است. **چون اصولاً حقیقت نامنتهی تفاوتی در ناحیه او نخواهد بود. به همه اشیاء در همه شرائط یکسان احاطه دارد. و اگر تفاوتی هست، از طرف گیرندگان است، نه از طرف دهنده.**

لذا در این دعا عرض می‌شود که: **خدایا! گناهان ما در دست توست. ما هم مقدر توایم . اگر بخواهی بیخشی روی کرم است و اگر بخواهی انتقام بگیری، روی عدل است. ما به طرف تو برمی‌گردیم، وگرنه لطف تو نسبت به همه ما علی السواء است.** " **تَتَّحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَ نَعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ** ". خدایا ! تو خود را به عنوان دوست نسبت به ما نشان می‌دهی، با این که همواره مهربانانه با ما رفتار می‌کنی! ما به عنوان دشمنی گناه می‌کنیم .

" **خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ وَ تَنْفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْأَبْيَكِ فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَكَ وَ أَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَ مُعِيداً تَقَدَّسَتْ أَسْمَانُكَ وَ جَلَّ تَنَازُوكَ وَ كَرُمَ صَنَائِعُكَ وَ فِعَالُكَ "**

خیر تو به طرف ما نازل است، شر ما به طرف تو سائل . یعنی آنچه فرشتگان به طرف تو ابلاغ می‌کنند گناهان ماست.

همواره يك فرشته کریمی است، سیئات ما را به عرض شما می‌رساند، گرچه شما به ما و به فرشته‌ها از خود ما و فرشته محیط تری و عالمتری! ولی مع ذلك با همه این گزارش‌های تلخ که به عرضتان می‌رسد، مانع نمی‌شود که شما ما را غرق نعمت نکنی، و آلاء و نعمت‌ها را بر ما فاضلانہ نریزی! چه قدر شما حلیمی، چه قدر شما بزرگواری، چه قدر شما از جهت مُبدع و محیط بودن کریمی! با این که دائماً از طرف ما نقص گزارش می‌شود، ولی همواره از طرف شما کمال و نیل و عطا به ما می‌رسد.

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی